

مطالعه تجربه زیسته کودکان و نوجوانان در خانواده‌هایی با والد زندانی

زهرا میرحسینی^۱، مرضیه ابراهیمی^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۷/۱۰/۱۵)

چکیده

مقاله‌ی حاضر مبتنی بر پژوهشی کیفی و پدیدارشناسانه است که با هدف مطالعه تجربه‌ی زیسته کودکان و نوجوانان خانواده‌های والد زندانی انجام شده است. محققان کوشیده‌اند پیامدهای زندانی‌شدن والدین را در زندگی کودکان دریابند و شرح روایت‌های کودکان را در این باره مطالعه کنند. به این منظور، با ۲۰ کودک و نوجوان ۱۰ تا ۱۸ ساله ساکن شهر تهران، که دست کم یکی از والدین آنها در زندان به سر می‌برد، مصاحبه‌های عمیق کیفی صورت گرفته است. طبق یافته‌های تحقیق، پیامدهای حبس والدین در چهار مقوله اصلی دسته‌بندی می‌شود: ازهم‌گسیختگی و آشفتگی خانواده، تغییر جریان عادی زندگی، طردشدگی، سرخوردگی و ناامیدی، و نیز ننگ‌ها و انگ‌ها. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد ویژگی‌های زمینه‌ای این کودکان و نوجوانان، نظیر سن و جنسیت آنها، و در کنار آن جنسیت والد زندانی و نوع جرم او، در تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان و نیز در پیامدهای به‌وجودآمده در زندگی آنها نقش مؤثری دارد. با این حال، با توجه به کیفی بودن پژوهش، نویسندگان به هیچ وجه قصد تعمیم یافته‌ها را ندارند.

واژگان کلیدی: خانواده، والد زندانی، کودکان و نوجوانان، مطالعه کیفی.

۱. عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)
z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدبهشتی
Ma_ebrahimi@mail.sbu.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸: ۱۳۳-۱۵۳

بیان مسئله

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه است که در فرآیند اجتماعی‌شدن کودکان نقش اساسی دارد. کودک از بدو تولد، تحت تأثیر والدین، کنش‌ها و واکنش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و تعاملات اجتماعی و... را فرامی‌گیرد و درونی می‌کند. در مراحل اولیه اجتماعی‌شدن، فرزندان، علاوه بر زبان، الگوهای اساسی رفتار را از والدین خویش می‌آموزند که پایه و اساس آموزش‌های بعدی قرار می‌گیرد. گیدنز معتقد است پذیرفتن نقش پدری و مادری، معمولاً، فعالیت‌های والدین و کودکان را برای تمام عمر به یکدیگر پیوند می‌زند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۷-۴۸). می‌توان گفت خانواده و از آن مهم‌تر، والدین در فرآیند زندگی و تعاملات اجتماعی افراد نقشی اساسی ایفا می‌کنند و کارگزاران اصلی اجتماعی‌شدن کودکان قلمداد می‌شوند. سبک زندگی والدین و مسائل و مشکلات آنها بر زندگی کنونی و آینده فرزندان تأثیر بسزایی دارد و ممکن است زندگی آنها را با بحران‌های اساسی مواجه کند که پیامدهای آن تا مدت‌ها در زندگی آنها باقی می‌ماند.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتکاب جرم به‌دست والد یا والدین و به‌دنبال آن زندانی‌شدن آنهاست که تجربه زیسته متفاوت و خاصی را در زندگی کودک رقم می‌زند که احتمالاً با تجربه زیسته کودکان دیگر متفاوت است و زندگی آتی آنها را با خطرهای فراوانی روبه‌رو می‌کند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد، بخش بزرگی از مسائل و مشکلات این فرزندان، علاوه بر دوری از والدین و مسائل و مشکلات اقتصادی، در زمینه‌های اجتماعی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی، گسترش تعاملات فردی و خانوادگی، ابعاد پیچیده زندگی با والدین بزه‌کار و به‌دنبال آن، "ننگ والد زندانی" آشکار می‌شود که در بسیاری مواقع ممکن است به فرزندان نیز تعمیم داده شود و بیش از خود فرد زندانی، برای خانواده‌اش شرمساری به‌دنبال داشته باشد؛ هرچند، اطلاعات زیادی درباره نحوه مدیریت این داغ در میان کودکان و نوجوانان وجود ندارد (لوتر، ۲۰۱۶).

در این مقاله تلاش شده است تا با توجه به ناشناختگی و پنهان‌بودن بخش عظیمی از مسائل و مشکلات خانواده‌های زندانیان، تجربه زندگی در این خانواده‌ها از منظر فرزندان آنها بررسی شود. این تحقیق به‌دنبال آشکارکردن بخشی از تجربیات زندگی کودکان و نوجوانان در مواجهه با زندانی‌شدن والد است و مسائل و مشکلات آنها را در موقعیت ویژه و خاص زندگی‌شان و نیز نحوه کنارآمدن آنها را با موضوع و چگونگی کاهش پیامدهای ناشی از آن می‌کاود.

ملاحظات نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر، محققان به هیچ وجه قصد نظریه‌آزمایی نداشته‌اند؛ از این رو، چارچوب نظری خاصی اساس کار قرار نگرفته است. اما، این به معنای خالی بودن ذهن پژوهشگران از مباحث نظری نیست و نظریه‌های موجود به مثابه چارچوب‌های ارجاعی و استنادی در تمام مراحل تحقیق، از جمع‌آوری داده‌ها تا جمع‌بندی یافته‌ها، مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند، نظریاتی چون هم‌نشینی افتراقی ساترلند، رویکرد انگ‌زنی، داغ ننگ گافمن، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، و فشار اجتماعی (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۳۶-۵۹).

بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر، تحقیقات متعددی با رویکردهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و نیز مددکاری اجتماعی به بررسی ابعاد پیچیده و پنهان زندگی کودکان و نوجوانانی که والد آنها زندانی است پرداخته‌اند که با توجه به پویایی مسئله، در اینجا به تحقیقات جدیدتر اشاره می‌شود. برخی تحقیقات به بررسی نحوه مدیریت ننگ والد زندانی (لوتر، ۲۰۱۶)، بررسی پیشرفت تحصیلی، رابطه ترک تحصیل با زندانی شدن والدین (نیکلز^۱ و همکاران، ۲۰۱۶^۲)، و بررسی فرآیندهای ارتباطی و عوامل محافظت از کودکان (پولمن و همکاران، ۲۰۱۳^۳) پرداخته‌اند که نقش مهمی در کاهش خطرهای دوران حبس والدین دارد. برخی تحقیقات نیز اثر حبس مادر را در فرآیند اجتماعی شدن پرخطر (زیمن و همکاران، ۲۰۱۶^۴)، اثر رابطه مادر با سرپرست کودکان در زمان حبس (روبیلارد و همکاران، ۲۰۱۶^۵) و نیز دل‌بستگی کودک به پدر زندانی و ملاقات والد (پولمن و همکاران، ۲۰۱۷) را مطالعه کرده‌اند.

مرور ادبیات داخلی نشان می‌دهد تحقیقات اندکی به مطالعه زندگی کودکان و نوجوانانی که والد آنها زندانی است پرداخته‌اند و پژوهش‌های انجام‌شده نیز معمولاً در ذیل تحقیقات خود اشاره‌ای به این موضوع کرده‌اند. چنان‌که فلاحت‌پیشه و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «خانواده نابسامان؛ تجربه زیسته دختران فراری ساکن کانون اصلاح و تربیت از دارابودن خانواده»، با استفاده از روش تحقیق کیفی، در قالب سه مضمون کلی آشفتگی در خانواده، بی‌توجهی و کمبود حمایت و اقدامات ضداجتماعی خانواده، نقش خانواده را در فرآیند بزه‌کاری و فرار دختران از خانه برجسته کرده‌اند. عظیم‌زاده و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود

1. Nichols
2. Nichols
3. Poehlmann
4. Zeman
5. Robillard

با عنوان «از مادر معتاد تا فرزند بزه‌کار، الگوی رشد مجرمانه مبتنی بر بزه‌دیده‌شناسی ثانویه»، تأثیر اعتیاد و رفتار بزه‌کارانه مادر را در ارتکاب اعمال بزه‌کارانه فرزند بررسی کرده‌اند. طباطبایی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود با عنوان «بررسی میزان شیوع اختلالات روانی-رفتاری در کودکان دارای والدین زندانی مقیم زندان‌های استان سمنان»، به بررسی و شناسایی شیوع مشکلات روانی-رفتاری فرزندان بعد از زندانی شدن یکی از والدین پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است، با توجه به اینکه زندانی شدن والدین، حمایت اجتماعی را از فرزندان سلب می‌کند، این کودکان بیشتر در معرض ابتلا به مشکلات و اختلالات روانی-رفتاری قرار می‌گیرند که این امر لزوم بررسی موضوع و تأمین حمایت‌های اجتماعی جایگزین را برجسته می‌کند. آنچه این پژوهش را از تحقیقات انجام‌شده متمایز می‌کند، تأکید بر به‌کارگیری روش تحقیق کیفی و مطالعات پدیدارشناختی در باب فهم تجربیات زیسته کودکان و نوجوانان در خانواده‌های با والد زندانی، و شناسایی و بازنمایی ابعاد پنهان و پیچیده زندگی این کودکان در خانواده‌های ازهم‌گسیخته است.

مبانی روشی پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی کیفی و مبتنی بر روش پدیدارشناختی است. در این دسته تحقیقات، پژوهشگر سعی می‌کند پدیده تحت مطالعه را از طریق کنشگرانی توصیف و تفسیر کند که در پژوهش مشارکت کرده‌اند و تجربه زیسته مشترک دارند. در این ره‌یافت، داده‌ها از افرادی که تجربه زیسته مشترک دارند و نیز از توصیف آنها درباره آنچه تجربه کرده‌اند و چگونگی تجربه آن فرآیندها، جمع‌آوری و مطالعه می‌شود (موستاکاس، ۱۹۹۴ به نقل از کرسول، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۱). لازم است محقق برای دست‌یافتن به چنین داده‌هایی، به مصاحبه‌های عمیق با افراد مطلعی بپردازد که همگی به‌طور مستقیم پدیده را تجربه کرده‌اند و تجربه زیسته مشترک دارند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۰۱). کرسول و پات^۱ (۲۰۰۷) تأکید دارند، برای فهم بهتر تجربه مشارکت‌کنندگان در پژوهش، لازم است پژوهشگر تجربه‌های شخصی و تصورات قالبی خود را نادیده بگیرد و مهار کند.

در این پژوهش، در مرحله گردآوری داده‌ها، هم‌زمان، از مصاحبه‌های عمیق کیفی، مشاهده مستقیم و نیز مطالعه اسناد و مدارک استفاده شده است که نقش مؤثری در افزایش اعتبار داده‌ها دارد. گفتنی است تأمین اعتبار در تحقیقات کیفی با آنچه در تحقیقات کمی مرسوم است تفاوت دارد. لینکن و گوبا (۱۹۸۵) معتقدند «قابلیت اعتماد» در پژوهش کیفی برپایه

1. Poth

«اطمینان‌پذیری»، «انتقال‌پذیری»، «تکاپذیری» و «تأییدپذیری» به دست می‌آید که با به‌کاربردن راه‌بردهای «کنترل اعضا»، یعنی مراجعه به مصاحبه‌شوندگان و ارائه داده‌ها به آنها و اطمینان از فهم شرح اظهارنظرها، صورت می‌گیرد. علاوه بر این، استفاده از «توصیفات پرمایه و غنی»، که به خواننده امکان می‌دهد درباره انتقال‌پذیری یافته‌ها قضاوت کند، نیز یکی از شیوه‌های افزایش اعتبار در تحقیقات کیفی است (لینکن و گوبا، ۱۹۸۵ به نقل از کرسول، ۱۳۹۴: ۲۴۷-۲۵۳). در این تحقیق نیز به این منظور در بخش گزارش یافته‌ها، نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است و در نهایت کدگذاری مجدد و جداگانه نیز صورت گرفته است که در بردارنده فهم مشترک از مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده و تأییدپذیری یافته‌هاست.

نحوه انتخاب نمونه‌ها

نمونه‌ها در روش کیفی، با توجه به دسترسی به نمونه‌ها، راحتی و اشباع نظری انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری در روش تحقیق کیفی می‌تواند هدفمند، نظری یا ابزاری باشد و با توجه به موضوع تحقیق انجام شود (سیلورمن،^۱ ۲۰۱۳). در این تحقیق نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند و درجه گویایی نمونه در کانون توجه قرار گرفته است. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافته است که محققان به اشباع نظری دست یابند. نمونه‌ها با توجه به جنسیت، سن، محل سکونت کودکان و نوجوانان و طول مدت حبس و نوع جرم والدین انتخاب شده‌اند.

تحلیل داده‌ها

پس از پایان هر مصاحبه، تحلیل داده‌ها آغاز شده است. ابتدا، مصاحبه‌ها به صورت متنی نوشته شد و بعد از پایان مرحله کدگذاری، شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، بررسی و تجزیه و تحلیل آغاز شد و مفاهیم اولیه استخراج شدند. در نهایت، در مرحله تحلیل داده‌ها، سعی شد به منظور فهم اظهارات مهم و رسیدن به خوشه‌های معنایی و توصیف ذات پدیده‌ها، طبق رویه موسستاکاس (۱۹۹۴)، خوشه‌های معنایی از دل داده‌های خام و از طریق استخراج مفاهیم اولیه به دست آید و مقوله‌های جزئی و اصلی ارائه شود.^۲

1. Silverman

۲. مرحله تحلیل داده‌ها بر طبق روش موسستاکاس به این صورت است؛ کنار گذاشتن تجارب شخصی محقق در باب پدیده موضوع مطالعه، تهیه فهرستی از اظهارات مهم در باب تجربه پدیده مورد نظر که در گام بعدی در قالب واحدهای معنایی یا مضامین و مقوله‌ها دسته‌بندی می‌شود و در مجموع طی این مراحل محقق را به فهم ذات پدیده مورد نظر و ایجاد معانی و خوشه‌بندی‌های مضامین و در نهایت ارائه توصیفی جامع از پدیده می‌رساند (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۹۳-۱۹۴).

سیمای مصاحبه‌شوندگان

در این پژوهش، با ۲۰ کودک و نوجوان مصاحبه عمیق کیفی صورت گرفت که همگی در خانواده‌هایی زندگی می‌کردند که یکی از والدین یا هر دو آنها سابقه حبس داشتند. همه افراد مصاحبه‌شونده در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۸ سال قرار داشتند و در زمان مصاحبه، یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶، ساکن استان تهران بودند. آنچه در کانون توجه قرار گرفته، تجربه زیسته مشترک کودکان از حبس والد یا والدین است.

اطلاعات و مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها، از طریق سازمان زندان‌ها در اختیار محققان قرار گرفت. در برخی مواقع نیز به‌علت محدودیت دسترسی به این افراد، کودکان و نوجوانانی برای مصاحبه انتخاب شدند که برای ملاقات با والدشان به زندان مراجعه کرده بودند. با توجه به اهمیت مصاحبه با مطلعان و کسانی که بتوانند درباره موضوع پژوهش کیفی توصیفاتی غنی ارائه دهند، با این افراد مصاحبه شد و در تمام مراحل پژوهش نیز به این مسئله توجه شد که آنها تحت فشار فضای پژوهش و تحقیق قرار نگیرند. هر مصاحبه معمولاً در حدود ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. ابتدا، با اجازه افراد، مکالمه‌ها ضبط و به آنها اطمینان داده شد که متن مصاحبه کاملاً محرمانه است و در اختیار محقق خواهد ماند. سن ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان زیر ۱۴ سال بود و ۱۳ نفر نیز بین ۱۴ تا ۱۸ سال داشتند. کوشش شد تا بیشترین گوناگونی در انتخاب نمونه‌ها در نظر گرفته شود. به این منظور، ۸ نفر از پاسخگویان پسر و ۱۲ نفر دختر، و ۹ نفر در حال تحصیل و ۱۱ نفر ترک تحصیل کرده انتخاب شدند. ۱۱ نفر از کودکان پدر زندانی داشتند، ۴ نفر مادر زندانی داشتند و ۵ نفر نیز هر دو والدشان در زندان به سر می‌بردند. مجرمان به‌علت جرایم مرتبط با مواد مخدر (۷ نفر)، قتل و معاونت در قتل (۳ نفر)، سرقت و دزدی (۴ نفر) و جرایم مالی (۶ نفر) دستگیر شده بودند.

پرسش‌های پژوهش

به‌منظور بررسی دقیق ابعاد تحقیق، پرسش‌های ذیل محور اصلی پژوهش را در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تشکیل داده‌اند:

- کودکان و نوجوانان با والد زندانی موقعیت زندگی خود را چگونه درک و معنا می‌کنند؟
- کودکان و نوجوانان در خانواده‌هایی که والدشان زندانی است، چه مسائل و مشکلاتی را بنا بر تجربه زیسته خویش روایت می‌کنند؟
- نحوه مواجهه این کودکان و نوجوانان با والدین خویش چگونه است؟
- بنا بر روایت مصاحبه‌شوندگان، حبس والدین چه پیامدهایی در زندگی آنها داشته است؟

گزارش یافته‌ها

در این بخش، نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با کودکان و نوجوانانی که والد زندانی داشته‌اند ارائه شده است. این مصاحبه‌ها حاوی توصیفاتی غنی از ابعاد پنهان و مخفی زندگی در چنین خانواده‌هایی است که با وجود تجربه زیسته مشترک درباب حبس و بزه‌کاری والدین، ویژگی‌های فردی خاص خود این دوران و عوامل حاکم بر آن را از زبان تجربه‌کنندگان نشان می‌دهد. در این بخش سعی شده است، به منظور افزایش اعتبار داده‌های تحقیق و کاهش شائبه تفسیر شخصی، به نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان استناد شود.

جدول ۱. مقوله‌بندی تجربه زندگی در خانواده‌های با والد زندانی

مفاهیم جزئی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
جنسیت، سن، پدر زندانی، مادر زندانی، نوع جرم والدین	ویژگی‌های زمینه‌ای، سابقه جرمی والدین	بسترها و بافت‌ها
طلاق والدین، متارکه، زندگی با بستگان، تجربه زندگی در پرورشگاه، الگوپذیری از والدین، رفتار بزه‌کارانه فرزندان، مسئولیت خانوار و تأمین معاش، عادی شدن بی‌والدی، فرار از منزل	بی‌سرپرستی و مشکلات اقتصادی، سرگردانی و سردرگمی، اجتماعی شدن جرم‌محور و الگوشدن والدین	ازهم‌گسیختگی و آشفتگی خانواده
ترک تحصیل، بیماری‌های جسمی و روانی، قطع ارتباط و دوری از والدین، تنفر از والدین و عدم پذیرش	از دست رفتن فرصت‌ها، از دست رفتن سلامتی، بی‌اعتمادی و سوءظن فزاینده، کودکی از دست‌رفته؛ بزرگسالی زود هنگام	تغییر جریان عادی زندگی
عدم معاشرت و پذیرش، ترس از هم‌نشینی با فرزندان، ترس از درگیری در مشکلات فرزندان، انزواطلبی و قطع روابط خانوادگی، فراموش شدن کودکان	سرزنش و تحقیر، عدم پذیرش در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی، کودکان والد زندانی؛ بی‌گناهان مجازات‌شده تمرکز بر نجات محکوم و غفلت از کودکان	طردشدگی، سرخوردگی و ناامیدی
تغییر محل سکونت، ترس از افشای سابقه بزه‌کاری والدین، کودکی در سایه محکومیت والدین، غفلت از فرزندان	تاوان بزه‌کاری والدین، هویت پنهان؛ ترس از آشکار شدن هویت والدین	ننگ‌ها و انگ‌ها

۱. بسترها و بافت‌ها

زمانی که خانواده با فقدان والد یا والدین مواجه می‌شود، زندگی فرزندان تحت تأثیر تغییر به‌وجودآمده با مسائل و مشکلات متعددی ممکن است روبه‌رو شود. با این حال، آنچه در درک و فهم فرزندان تأثیرگذار است، علت غیبت والد یا والدین در خانواده است.

تأثیر ویژگی‌های زمینه‌ای

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی روایت‌های جالب توجهی از تجربه زیسته فرزندان که والد آنها زندانی است به دست می‌دهد، که علاوه بر آنکه تحت تأثیر متغیرها و ویژگی‌های زمینه‌ای، نظیر سن و جنسیت پاسخگویان است، ارتباط زیادی با جنسیت والد زندانی دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تجربه کودک از زندانی شدن پدر، با تجربه او از حبس مادر متفاوت است و فقدان هر دو والد، به علت حبس، نیز وضعیت پیچیده‌تری است. سوده^۱، ۱۸ ساله، دیپلمه، که مادرش به علت جرایم مالی در زندان است، می‌گوید:

«یکی از مشکلات من بعد از زندان رفتن مادرم، نگاه‌ها و حرف‌های مردم بود. برادرم که دنبال کار بود و پدرم هم مریض. فقط من بودم که می‌تونستم برم پی‌گیری کارهاشون رو بکنم. صبح‌ها که می‌خواستیم از خونه خارج بشم همه ش نگران بودم یکی از همسایه‌ها منو ببینه... پشت سرمون حرف زیاد بود...».

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، جنسیت فرزندان نیز با تجربه زیسته‌شان از پدیده زندانی شدن والد و نیز مسائل و مشکلات پیرامون آن ارتباط مستقیم دارد، به طوری که دختران صدمه‌های روحی و روانی را تحمل می‌کنند؛ چراکه بسیاری از آنها، به‌ویژه در نوجوانی و جوانی، نگران آینده خود و از دست دادن فرصت مناسب ازدواج هستند. چنان‌که برخی از دختران نوجوان مصاحبه‌شونده، خود به این مسئله اذعان و درباره آن اظهار نگرانی کرده‌اند، حال آنکه پسران مصاحبه‌شونده، با سن و موقعیت مشابه، چنین نگرانی‌ای نداشته‌اند، هرچند یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر مواقع، با به زندان رفتن پدر، مسئولیت‌های مردانه خانه، نظیر بار مالی خانواده و تأمین معاش، به فرزند پسر منتقل می‌شود. حسین، ۱۸ ساله، که پدرش در ۸ سالگی او به جرم کلاهبرداری به زندان افتاده، می‌گوید:

«وقتی بابام افتاد زندان، خیلی بچه بودم، وضع مالی مون خوب بود، نفهمیدم یک‌هو چرا سر از زندان درآورد... وقتی رفت اوضاع خیلی به هم ریخته شد... آخه بابام کلی از این و آن پول قرض گرفته بود... بزرگ‌تر که شدم، احساس کردم مرد خونه منم. باید به مادرم کمک کنم، آخه بیچاره همه عمرش سختی کشیده بود».

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد سن فرزندان عامل مهمی در درک و فهم مسائل ناشی از زندانی شدن والد یا والدین است؛ از این‌رو، هنگامی که یکی از والدین یا هر دو به زندان می‌افتند، معمولاً کودکان کم‌سن‌وسال با مشکلات حمایتی و نیز تأمین معاش مواجهند. ممکن است با به زندان رفتن والدین، فرزندان جوان و نوجوان، علاوه بر بی‌یاوری و

۱. تمام نام‌ها مستعار است.

احساس تنهایی ناشی از غیبت والدین، با مسائلی نظیر لزوم پی‌گیری پرونده و تلاش در جهت آزادکردن والدین، گرفتن وکیل، پرداخت جریمه، مسئولیت تأمین معاش و رسیدگی به امور خانواده نیز مواجه شوند.

سابقه جرمی والدین

نوع جرم والدین نیز در تجربه زیسته کودکان و معنایی که آنها درک می‌کنند تأثیرگذار است، به طوری که وضعیت زندگی کودکانی که والدین آنها مرتکب قتل شده‌اند، به ویژه قتل همسر یا یکی از بستگان درجه اول، با افراد دیگر متمایز است؛ حتی، با تجربه کودکانی که والدین آنها مرتکب قتل فردی بیرون از شبکه خانوادگی و فامیلی شده‌اند. شیما، ۱۷ ساله، که مادرش به علت معاونت در قتل پدر در زندان به سر می‌برد، می‌گوید:

«وقتی ۷ ساله بودم، مامانم از بابام طلاق گرفت و منو اون با هم تنها زندگی می‌کردیم. بابام بعد از طلاق هم ول کن مامانم نبود و هرچند وقت میومد دم خونه و سروصدا می‌کرد، تا اینکه یک دفعه که من مدرسه بودم، مثل اینکه اومده دم خونه مون و یک آقا رو دیده و بعد هم با هم دعواشون شده و بابام کشته شده. بعد هم پلیس‌ها مامانمو به عنوان شریک جرم دستگیر کردن و من بی‌پناه شدم. دادگاه منو فرستاد پیش پدر بزرگ پدریم، ولی واقعاً برام زندگی سخت شده، چون هر روز از صبح تا شب به من غر می‌زنن و سرکوفت می‌زنن که مامانم بدکاره بوده و بابامو به کشتن داده. همیشه هم می‌گن تو مثل مادرت هستی، هیچ‌کس تو رو نمی‌گیره، عاقبت بهتر از مامان قاتلت نداری و بهم می‌گن آخر حکم اعدامش رو می‌گیریم...».

برخی جرایم نظیر سرقت، حمل و قاچاق مواد مخدر و ارتکاب جرایمی نظیر رابطه نامشروع نیز به مجازات و طرد کودکان از سوی بستگان درجه اول منجر می‌شود؛ چراکه این کلیشه در جامعه و نیز ضرب‌المثل‌ها وجود دارد که از اجماع نظر و توافقی کهن در سطح جامعه حکایت می‌کند: «عاقبت گرگ زاده گرگ شود».

۲. ازهم‌گسیختگی و آشفتگی خانواده

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، ازهم‌گسیختگی و ایجاد آشفتگی در خانواده از مهم‌ترین پیامدهای حبس والدین است. روایت‌های فرزندان نشان می‌دهد در بسیاری مواقع، با حبس والدین، خانواده چنان با آشفتگی و درهم‌دریختگی مواجه شده که کارکردها و وظایف آن به تعویق افتاده است. سوده در این باره می‌گوید:

«از وقتی مادرم رفت زندان، همه چیز ریخت به هم. شاید اگر بابام می‌رفت، این قدر اوضاع زندگی من به هم ریخته نمی‌شد... الان مسئولیت کارهای خونه همش افتاده گردنم، نهار و شام درست کردن و هوای خونه رو داشتن... تمام اینها به خاطر این بود که بابام تصادف کرد و گوشه خانه افتاد و کلی هم بدهی بالا آورد... مامانم بدون اینکه با کسی مشورت کنه رفت پول قرض گرفت و نتونست پس بده. اونها هم انداختندش زندان... من فکر می‌کنم اگر بابام زندان می‌رفت، مامانم حامیش بود، ولی بابام با اینکه خودش می‌دونه مامان به خاطر اون زندان افتاده، ولی دائم پشت سرش غر می‌زنه و عصبانیه که چرا باهاش مشورت نکرد...».

در بسیاری از مواقع، با به زندان افتادن یکی از والدین، دامنه اختلاف میان آنها گسترش می‌یابد؛ چراکه ممکن است طرفین یکدیگر را مقصر مشکلات به وجود آمده در زندگی بدانند. اینجاست که حتی ممکن است پای فرزندان نیز به اختلافات درون خانواده کشیده شود و با طرفداری از یکی از والدین، حس بدبینی و سوءظن به والد دیگر در آنها تقویت شود و با افزایش دامنه اختلافات، فرزندان با طلاق و جدایی والدین نیز مواجه شوند.

سردرگمی و سرگردانی

از جمله پیامدهای زندان رفتن والدین، سردرگمی و سرگردانی فرزندان و بی‌پناهی آنهاست، به طوری که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، برخی از کودکان بعد از حبس والدینشان مجبور به زندگی با بستگان و دوستان هستند و در بعضی مواقع نیز به پرورشگاه‌ها یا مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست سپرده می‌شوند. شیدا، ۱۳ ساله، می‌گوید:

«اول بابام به خاطر موادفروشی افتاد زندان، بعد از چند وقت هم مامانمو دستگیر کردن. بابام که نبود، ما پیش مامانم بودیم، دو تا داداش و یک خواهر بزرگ‌تر دارم... من و خواهرم کرج پیش عمه بودیم و برادرهام هم دوتایی با هم تو خانه زندگی می‌کردن. خیلی سخت بود و خونواده من به هم ریخته شده بود، هر کدوممون یک طرف. بعضی وقت‌ها هم که عمه مهمون داشت یا می‌خواستن جایی برن، مجبور می‌شدیم بریم خونه ی عموم. تو خونواده ی پدریم همه موادین؛ عموم، شوهر عمه که من از هر دوتاشون یک جورایی می‌ترسم».

بی‌سرپرستی و مشکلات اقتصادی

پس از به زندان افتادن والد یا والدین، به ویژه آنکه فرد زندانی سرپرست خانواده نیز باشد، یکی از مهم‌ترین مسائلی که خانواده و اعضای آن را درگیر می‌کند، مشکلات و مسائل مالی و اقتصادی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تقریباً تمام مصاحبه‌شوندگان در تجربه زیسته خود با شکلی از مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی و پیامدهای آن نظیر ناتوانی در تأمین معاش و نیز

ترک تحصیل و محرومیت از آن، به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه‌های تحصیل، مواجه می‌شوند. شایان، ۱۴ ساله، که پدرش به جرم سرقت در زندان است، می‌گوید:

«از وقتی بابام رفته، دارم کار می‌کنم (دست‌فروشی در مترو). بابام کارگر ساختمونی بود، تا اینکه بهش تهمت دزدی زدن و افتاد زندان. اول‌ها مامانم می‌رفت کار می‌کرد و توی مترو جنس می‌فروخت، ولی بعدش دیدم همیشه، درسمو ول کردم و اومدم کمکش...».

اجتماعی شدن جرم‌محور و الگوشدن والدین

یکی از مهم‌ترین مشکلات خانواده‌هایی که والد آنها زندانی است، آشنایی زودهنگام کودکان و نوجوانان این خانواده‌ها با جرم و کج‌روی، رفتار و کنش مجرمانه و ابزار ارتکاب جرم است. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های تحقیق نشان می‌دهد اغلب کودکانی که والدینشان سابقه اعتیاد و مصرف مواد مخدر داشته‌اند، علاوه بر اینکه گاه و بی‌گاه شاهد مصرف مواد مخدر بوده‌اند، ممکن است شاهد رفتارهای پرخطر و ارتباطات خارج از قاعده آنها نیز بوده باشند. سیمین، ۱۱ ساله، می‌گوید:

«بابام بیشتر وقتا با چندتا از دوستاش میومد خونه با هم مواد می‌کشیدن... بعضی وقتا هم با یک خانوم میومد که می‌گفت می‌خوام باهاش عروسی کنم... من و خواهرم خیلی از این خانوم بدمون میومد. هر وقت که اون میومد بعدش مامان و بابام حسابی با هم دعوا می‌کردن و بابام مامانمو می‌زد، آخرش هم مامانم رفت طلاق گرفت... خواهرمم از وقتی مامانم رفته دیگه مدرسه نرفته و بهم گفته می‌خواد از خونه ی مادر بزرگم فرار کنه (بعد از طلاق سرپرستی به پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری سپرده شده است)».

۳. تغییر جریان عادی زندگی

تغییر جریان عادی زندگی یکی از مهم‌ترین پیامدهای حبس والدین است که ممکن است به تغییرات اساسی در زندگی روزمره کودکان منجر شود. این تغییرات در مقوله‌های ازدست‌رفتن فرصت‌ها، بی‌اعتمادی و سوءظن فزاینده به والدین و نهادهای اجتماعی و قضایی، ازدست‌رفتن سلامت جسمی و روانی، و ازدست‌رفتن فرصت کودکی و ورود زودهنگام به بزرگ‌سالی قابل شناسایی و دسته‌بندی است.

از دست رفتن فرصت‌ها

با توجه به اینکه مهم‌ترین بخش از جامعه‌پذیری و فرصت‌های زندگی افراد در محیط خانواده و در سایه والدین شکل می‌گیرد، کودکانی که والد آنها زندانی است، به دلیل فقدان یک یا هر دو والد، بسیاری از فرصت‌های زندگی خود را از دست می‌دهند. سحر، ۱۷ ساله، این‌گونه اظهار می‌کند:

«در سو خیلی دوست داشتمو واقعاً برام جذاب بود، اما وضعیتی که توی خونه پیش اومده بود نه تمرکز برام گذاشته بود نه آرامش. هرچی می‌خواستیم به اتفاق‌ها فکر نکنم نمیشد. همیشه می‌ترسیدم توی مدرسه مسخره‌م کنن و همین باعث شد که دیگه نرم مدرسه و کسی هم کمکم نکرد که بتونم درسمو ادامه بدم. دیگه وقتی پدر و مادر آدم به فکرش نباشن کی می‌خواهد به فکر باشه؟».

از دست رفتن سلامت جسمی و روانی

یکی از مهم‌ترین مشکلات فرزندان خانواده‌هایی که والد آنها زندانی است، فارغ از سن و جنسیت آنها، بروز بیماری‌های جسمی و روانی است. دامنه این بیماری‌ها از استرس، اضطراب و افسردگی تا اقدام به خودکشی پیش می‌رود. حسن، ۱۸ ساله، که پدرش حدود هفت سال پیش به زندان افتاده و مادرش هم به خاطر جرایم مالی یک‌سال زندان رفته، می‌گوید:

«از وقتی اینها افتادند زندان اعصابم ریخت به هم. همه‌ش قرص اعصاب می‌خورم. دکتر میگه افسردگی شدید دارم... اوضاعم از وقتی بدتر شد که مامانم هم افتاد زندان. چندبار تصمیم گرفتم خودکشی کنم راحت شم. بابام به خاطر قرض افتاد زندان. مامانم هم به خاطر بدهی‌هایی که برای بیرون آوردنش بالا آورده بود افتاد زندان. منم درسمو ول کردم رفتم دنبال کار».

بی‌اعتمادی و سوءظن فزاینده

بی‌اعتمادی فزاینده فرزندان خانواده‌هایی که والد آنها زندانی است، از جمله تغییراتی است که به دنبال حبس والدین در رویکردها، کنش‌ها و رفتارهای آنها ظاهر می‌شود. این مقوله معمولاً در قالب بی‌اعتمادی به والدین، نهادهای اجتماعی و نیز دستگاه قضایی و پلیس ظاهر می‌شود که والدین را دستگیر کرده‌اند. شیمیا، ۱۷ ساله، درباره احساسش در زمان زندانی شدن مادرش می‌گوید:

«روزهای اول که دیدم مامانمو بردن و خیلی هم باهانش بد رفتاری کردن، از پلیس و قاضی و هر کی توی این مایه‌هاست بدم اومد. آخر مامانم مهربون‌ترین مامان دنیاست، چه جور می‌تونه آدم بکشه؟؟؟».

کودکان ممکن است دچار احساسات متضادی درباره پدر یا مادرشان شوند. ممکن است علاقه خود را به کسی که مرتکب جرم شده از دست بدهند یا در مقصربودن پدر یا مادرشان مردد شوند. سمیرا، ۱۳ ساله، که مادرش به جرم کلاهبرداری در زندان است و با پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری زندگی می‌کند، می‌گوید:

«به‌خاطر مامانم آبروی ما رفته، همهٔ مدرسه میدونن مامانم کلاه‌برداری کرده، پدر بزرگم به همه گفت... چند وقت پیش، برای تولدم یک دسته گل فرستاده بود، همونجا براش پس فرستادیم... دسته گلشو می‌خوام چیکار، دیگه هیچ وقت دلم نمی‌خواد ببینمش».

کودکی از دست رفته، بزرگ‌سالی زودهنگام

کودکانی که والد یا والدینشان به حبس محکوم می‌شوند معمولاً احساس مسئولیت و تعهد زیادی پیدا می‌کنند. آنها از کودکی خود فاصله می‌گیرند و ناگهان به دوران بزرگ‌سالی وارد می‌شوند. این بزرگ‌شدن مصادیق مختلفی در زندگی‌شان دارد، از جمله ورود زودهنگام به بازار کار، ازدواج زودهنگام و... گاهی هم کودکان ممکن است وقت خود را فقط برای کار کردن روی پرونده، و نوشتن نامه برای افراد حاضر در دستگاه قضایی بگذارند. سعید، ۱۶ ساله، می‌گوید:

«میگفتن بابام مواد مخدر داشته، اما من میدونم بابام فقط معتاد بود و مواد نمی‌فروخت. فکر کنم کار این همسایه‌مونه که خودش مواد فروشه. یک‌مدته همش زیر نظرش دارم، می‌خوام ازش عکس هم بگیرم، همه‌چیز که ازش جمع کردم می‌برم دادگاه و تحویل میدم تا بابام خلاص شه، با بچش هم بهم زدم و دیگه ازش خوشم نمیاد، مدارکمو که ببرم و باباشو بندازم زندان حالش جا میاد...».

۴. طردشدگی، سرخوردگی و ناامیدی

طرد فرزندی که والد آنها زندانی است، از یک‌سو، و احساس سرخوردگی و ناامیدی ناشی از این طردها و محرومیت‌ها و نیز مسائل و مشکلات مربوط به والدین، از پیامدهای زندگی در این خانواده‌هاست که معمولاً با سرزنش و تحقیر این کودکان و عدم پذیرش آنها در شبکه‌های اجتماعی همراه است.

سرزنش و تحقیر

سرزنش و تحقیر از مسائل دیگری است که کودکان و نوجوانان به‌دلیل زندانی‌بودن والدشان با آن مواجهند. سرزنش و تحقیر ممکن است از جانب بستگان دور و نزدیک، دوستان و هم‌کلاسی‌ها، همسایگان و حتی اولیای مدرسه و افرادی صورت گیرد که روزانه با این کودکان در ارتباطند و از هویت مجرمانهٔ والدینشان خبر دارند. پردیس، ۱۴ ساله، که پدرش به جرم سرقت در زندان به‌سر می‌برد، می‌گوید:

«از وقتی مامان دوستم فهمیده بابام افتاده زندان، دیگه نمیگذاره دخترش با من بیاید مدرسه. یک دفعه داشتیم با هم میومدیم از مدرسه بیرون که یهو دیدیم جلو در مدرسه س و با عصبانیت من و دخترشو دعوا کرد و دستشو گرفت برد. از اون به بعد هم خودش میاد دنبالش دخترش».

مسئله آشکار شدن هویت مجرمانه والدین در هر سنی برای فرزندان پیامدهای منفی زیادی دارد و حتی ممکن است بر تشکیل خانواده و ازدواج این افراد نیز تأثیر بگذارد.

عدم پذیرش در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی

گاهی، فرزندان خانواده زندانیان، با عدم پذیرش در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی و طرد از گروه‌های همالان مواجه می‌شوند. حتی، گاهی سرپرستان جایگزینی هم که دادگاه برای آنها تعیین می‌کند از پذیرش آنها امتناع می‌کنند. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، سرپرستان جایگزین به‌علل مختلف کودکان را طرد می‌کنند. در برخی مواقع، عدم پذیرش و طرد ممکن است به‌دلیل مخارج اضافی برای نگهداری کودک، نداشتن جا یا دلایل مشابه آن باشد. ننگی که زندانی شدن والدین به‌همراه دارد، یا بیم از "آلوده شدن" کودکان دیگر، یا ترس از قرار گرفتن در معرض انتقام خانواده قربانی یا نگرانی از جلب شرمساری، نحوست یا "نفرین" و نیز نوشته شدن گناه و جرم پدر و مادر به حساب فرزندان نیز از دیگر دلایل طرد است. در بعضی از مواقع، کودکان به‌ویژه دختران در معرض خطرهای بسیار بیشتری قرار می‌گیرند، مثل قربانی جنایت شدن، به‌ویژه تجاوز جنسی و انواع دیگر سوءاستفاده‌ها. شیما، ۱۷ ساله، می‌گوید:

«جالبه که همه فکر می‌کنن مشکل ما فقط پول نیست، اما پول یکی از مشکلات ماست... من از حرف‌های مردم و نگاه‌هاشون می‌ترسم... همه‌جا ما رو شریک جرم میدونن، انگار هیچ‌کس نیست یک‌کاری بکنه. بعضی وقت‌ها راحت‌ترین کار اینه که سرمون رو بندازیم پایین و از آدم‌ها فرار کنیم تا ببینیم عاقبت چه میشه».

کودکان با والد زندانی: بی‌گناهان مجازات شده

با توجه به موضوع پژوهش، یکی از مشکلات درخور توجه کودکانی که والد آنها زندانی است، انتقام‌گیری خانواده قربانی از آنها به‌جای والدینشان است. این انتقام از گرفتن امتیاز از کودکان شروع می‌شود و تا تهدید و انجام رفتارهای خشن با آنها ادامه دارد. موضوع زمانی بحرانی‌تر می‌شود که در برخی از جرایم، خانواده مجرم و قربانی یکی باشد، مثلاً در همسرکشی، که

کودکان در آن واحد بخش مهمی از فامیل و آشنایان خود را از دست می‌دهند یا تحت آزارهای روحی و روانی (بی‌توجهی، متلک‌پرانی و...) یا آزارهای جسمی (نیشگون گرفتن، هول دادن و...) قرار می‌گیرند. مونا، ۱۴ ساله، می‌گوید:

«وقتی بابام و مامانم دعواشون شد و بابام زد تو سر مامانم، داشتم نگاه میکردم. یهو دیدم که مامانم دیگه بلند نشد و حرف نزد. وقتی اورژانس اومد، گفتن که مامانم مرده، بابامو هم بردن زندان... از اون روز، رابطمون با خاله‌ها و دایی‌هام و فامیل‌های مامانم قطع شد... وقتی دخترخاله‌هامو بچه‌های داییمو می‌بینیم، بی‌محلی می‌کنن یا میگن بابات قاتله...»

تمرکز بر نجات محکوم و غفلت از کودکان

گاهی، اطرافیان و نزدیکان کودکانی که والدشان زندانی است، به‌دلیل مشغله‌های شخصی یا پی‌گیری وضعیت محکومان به حبس، ناآگاهانه از وضعیت کودکان غفلت می‌کنند و آنچه هدف اصلی‌شان قرار می‌گیرد آزادی محکوم است. در این میان، کودکان یا نوجوانان، برای مدتی کوتاه یا طولانی، بی‌سرپرست یا بدسرپرست می‌شوند. رضا، ۱۶ ساله، می‌گوید:

«پدرم که رفت زندان، تموم فکر خونواده، به‌خصوص مادرم، از صبح تا شب، صرف این می‌شد که رضایت بگیرن یا فلان کار را بکنن یا کی روز ملاقاته، یا چی به مردم بگن و هزارتا چیز دیگه... هیچ‌کی هم به فکر من نبود، توی همون روزها بود که با یک‌سری از بچه‌ها دوست شدم و از شون خوشم اومد... به‌نظرم خیلی زندگی‌شون شبیه من بود...»

۵. ننگ‌ها و انگ‌ها

خود "فرزند زندانی بودن"، انگ و برچسبی است که همانند داغ ننگی نامرئی بر پیشانی این کودکان زده شده و در بسیاری مواقع ممکن است سبب طرد کودکان از جامعه و شبکه تعامل اجتماعی، یا حتی سبب انزوا و کناره‌گیری آنها از فعالیت‌های اجتماعی شود.

پرداختن تاوان بزه‌کاری والدین

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در زندگی کودک مهم است، نوع و وضعیت زندگی‌ای است که والدین برایش مهیا می‌کنند که مطمئناً در رشد فردی و اجتماعی او بسیار تأثیرگذار است. سرگذشت بسیاری از کودکان ارتباط بسیار زیادی با والدینشان دارد. با توجه به این مسئله، می‌توان گفت زندگی کودکانی که والدشان زندانی است، به‌ویژه در سن پایین، تحت تأثیر

عملکرد مجرمانه والدین و حبس آنها قرار دارد که پیامدهای منفی زیادی در زندگی آنها باقی می‌گذارد. سامان، ۱۷ ساله، می‌گوید:

« بعد جرم بابام انگار ما آدم کشته بودیم، دیگه حرفی نبود که از آدم و عالم نشنویم، از بقال سرکوجه تا فک و فامیل متلک بارمون می‌کردن و حالت خوبشون این بود که ترحم کنن که اونم از صد تا فحش بقیه بدتر بود...».

هویت پنهان؛ ترس از آشکار شدن هویت والدین

ترس از برچسب خوردن و آشکار شدن هویت والدین، یکی از مسائلی است که اغلب این کودکان با آن مواجهند و معمولاً سعی دارند از راه‌های مختلف آن را از دیگران پنهان کنند. ترس از تغییر نگاه اطرافیان، تهمت و افترا، و ترس از بی‌آبرویی و طرد از جمله عللی است که کودکان را به پنهان‌نگه داشتن هویت والدین برمی‌انگیزد. ثریا، ۱۵ ساله، می‌گوید:

«راستش دائم نگرانم که کسی نفهمه، کسی چیزی بهم نگه، نگاه مردم عوض نشه و هزارتا فکر دیگه، دلم می‌خواد یه وقتایی با یکی حرف بزنم، گریه کنم، عصبانی بشم...».

بحث و نتیجه‌گیری

در حوزه جرم‌شناسی و قضایی، معمولاً تمرکز اصلی بر مجرمان و تبیین علل ارتکاب جرم و چگونگی و چستی فرآیند مجرم‌شدن معطوف است. آنچه اغلب مغفول می‌ماند، نقش مشارکت‌کنندگان پنهان یا قربانیان پنهان جرم است. یکی از قربانیان پنهان در جرایم، فرزندان هستند که والد آنها زندانی است، کسانی که تقریباً بدون ارتکاب هیچ گناهی در فرآیند ارتکاب جرم قرار می‌گیرند و هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. پژوهش حاضر به دنبال فهم ابعاد زندگی کودکان و نوجوانانی است که والد آنها زندانی است و شناسایی پیامدهای این اتفاق در زندگی این خانواده‌ها را، با استناد به تجربه زیسته و روایت‌های خود آنها، در دستور کار دارد. برناردز معتقد است تجربه و احساسی که کودکان در خانواده‌هایشان از سر می‌گذرانند، آثار عمیق و طولانی‌مدتی در زندگی آنها برجای می‌گذارد (برناردز، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

در این تحقیق، با ۲۰ کودک و نوجوان ۱۰ تا ۱۸ ساله، که همگی تجربه مشترک زندگی در چنین خانواده‌هایی را دارند، مصاحبه‌های عمیق کیفی و پدیدارشناختی انجام شده است. در مجموع، یافته‌ها نشان داد، پیامدهای زندگی در خانواده‌های با والد زندانی و فهم مسائل و مشکلات زندگی فرزندان این خانواده‌ها ذیل چهار مقوله اصلی از هم‌گسیختگی و آشفتگی

خانواده، تغییر جریان عادی زندگی، طردشدگی، سرخوردگی و ناامیدی و نیز ننگ‌ها و انگ‌ها، قابل شناسایی و دسته‌بندی است.

یافته‌ها نشان می‌دهد، درک و فهم کودکان و نوجوانانی که والد آنها زندانی است، از زندگی خود و پیامدهای حبس والدین، تا حدود زیادی، تحت تأثیر جنسیت و ویژگی‌ها و اقتضات سنی آنها قرار دارد. فرزندان کم‌سن‌وسال بیشتر درگیر مسائل عاطفی و مشکلات روحی و روانی ناشی از بدسرپرستی و بی‌سرپرستی هستند و اغلب با مشکلات زندگی با اقوام و بستگان یا طرد و کنار گذاشته شدن توسط آنها و زندگی در پرورشگاه و بهزیستی مواجه می‌شوند. فرزندان نوجوان، علاوه بر این، با مشکلات اقتصادی و مسائلی نظیر ترک تحصیل و تلاش برای جبران غیبت والدین درگیرند که تحت تأثیر جنسیت خود و نیز جنسیت والد زندانی، دامنه این مسائل متفاوت و متنوع است. این مسائل زمانی تشدید می‌شود که فرزندان با حبس هر دو والد مواجه شوند.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان داد که احتمال تغییر در وضعیت تحصیلی این فرزندان با زندان رفتن والدین بیش از بقیه مشکلات است، به طوری که در بسیاری مواقع، پس از حبس والدین، کودکان با مشکلات تحصیلی نظیر افت تحصیلی، ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی و ضعف در یادگیری و در نهایت ترک تحصیل مواجه می‌شوند، چنان‌که یافته‌های پژوهش نوغانی (۱۳۸۶) نیز نشان داده است که خانواده بر عملکرد و میزان موفقیت تحصیلی فرزندان اثر تعیین‌کننده‌ای دارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نوع جرم والدین نیز در مشکلات زندگی فرزندان و نوع مسائلی که پس از حبس والدین با آن مواجهند تأثیرگذار است. وضعیت زندگی کودکانی که والدین آنها مرتکب قتل شده‌اند، به ویژه قتل همسر یا یکی از بستگان درجه اول، با افراد دیگر متفاوت است، حتی با وضعیت فرزندان که والدین آنها مرتکب قتل فردی بیرون از شبکه خانواده و فامیلی شده‌اند. باین حال، این یافته به بررسی دقیق‌تر نیاز دارد که مجال آن در این پژوهش فراهم نشد و نیازمند تحقیقی جداگانه است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین مسائلی که اغلب خانواده‌های زندانیان و فرزندان آنها با آن مواجهند، نابسامانی خانوادگی و به هم ریختگی وضعیت زندگی است، به طوری که این مسئله باعث سردرگمی فردی، خانوادگی و اجتماعی فرزندان می‌شود و بسیاری از آنها را در بلا تکلیفی ناشی از غیبت والدین و مجرم بودن آنها قرار می‌دهد. علاوه بر این، به تعویق افتادن نقش والد، ناکارآمدی او و تأخیر در اجرای وظایف و کارکردهای خانواده، از پیامدهای حبس والدین و از هم گسیختگی و آشفتگی خانواده است که به تغییر جریان عادی زندگی فرزندان، تحمیل مسئولیت‌های والدین بر دوش فرزندان، تحمیل زود هنگام

مشکلات اقتصادی، ازدست رفتن سلامتی و فرصت‌های زندگی، تنهایی و بی‌یاوری، زندگی با افرادی غیر از والدین، شنیدن سرزنش‌ها و تحقیرها، طردشدن و انگ‌خوردن منجر می‌شود و در عمل، فرزندان این خانواده‌ها را به بی‌گناهی مجازات‌شده تبدیل می‌کند که ناخواسته باید توان بزه‌کاری والدینشان را بدهند. نتایج تحقیقات فرارو و همکاران (۱۹۸۳) نیز بر این تأکید داشته است که زندانی‌شدن والدین، علاوه بر دردها و پیامدهای زیاد، سبب مجازات عملی فرزندان می‌شود. این مسائل در مجموع ممکن است به بی‌اعتمادی، تنفر از والدین، دوری‌گزینی و طرد آنها پس از پایان حبس بینجامد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۶).

یافته‌های تحقیق و روایت‌های مصاحبه‌شوندگان حکایت از آن دارد که این کودکان معتقدند سریع قضاوت می‌شوند و برچسب می‌خورند، آن‌هم نه به دلیل عملکرد خود، بلکه به واسطه عمل والدین خود. عموم مردم معمولاً به زندانیان به چشم منفی نگاه می‌کنند. زمانی که فرزند آنها شناسایی شود، برچسب‌نگی بر او زده می‌شود که ممکن است مدت‌ها بعد از آزادی یا مجازت والدین نیز باقی بماند. در کلیشه‌های ذهنی و رایج جامعه، ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که مجوز مجازات کردن کودکانی است که والد آنها زندانی است و باعث نوشته‌شدن گناه والدین به حساب فرزندان می‌شود.

در بسیاری از مواقع، با به‌زندان افتادن والدین و بی‌سرپرست‌شدن فرزندان، به‌جای آنکه کودکان زیر چتر حمایتی شبکه‌های خانوادگی قرار گیرند، از سوی افراد خانواده طرد می‌شوند. طرد خانوادگی و محرومیت کودکان از شبکه‌های حمایتی، یکی از مهم‌ترین علل بروز مشکلات فردی و اجتماعی برای این کودکان است و زندگی آنها را با بحران‌های زیادی مواجه می‌کند و زمینه کشیده‌شدن آنها را به سوی جرم و تکرار رفتار بزه‌کارانه والدین فراهم می‌کند، به طوری که برخی مصاحبه‌شوندگان در روایت خود شرحی از رفتارهای بزه‌کارانه و تمایل خود را به تکرار کنش والدین گزارش کرده‌اند که ممکن است این تمایلات تحت تأثیر فرآیند یادگیری اجتماعی، هم‌نشینی با والدین بزه‌کار، اجتماعی‌شدن جرم‌محور، الگو قرار دادن والدین، زندگی در خانواده‌های قانون‌شکن و جرم‌مدار به ارتکاب جرم منجر شود. بنا بر نظریه هم‌نشینی افتراقی، کج‌رفتاری یادگرفتنی است و در تعامل با دیگران آموخته می‌شود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۹).

هیرشی از دل‌بستگی، تعهد، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، و اعتقاد و ایمان به نهادهای اجتماعی و قانون، به‌مثابه چهار عامل پیوندزنده فرد و جامعه نام می‌برد که سبب هم‌نوایی فرد با جامعه و هنجارهای اجتماعی می‌شود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۳)؛ باین حال، یافته‌های پژوهش نشان داد، وضعیت حاکم بر زندگی کودکانی که والد آنها زندانی است، نظیر

غیبت والدین، بزه‌کاری آنها، عدم نظارت و کنترل صحیح، جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن جرم‌محور، طرد اجتماعی، مغفول‌ماندن این کودکان، سوءظن و بی‌اعتمادی به والدین و نهادهای اجتماعی، عدم تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به‌علت طرد یا ترس از انگ‌خوردن و مواردی نظیر این، در مجموع، چهار عامل ذکر شده در نظریه هیرشی را در کودکان تضعیف می‌کند و زمینه جرم و کج‌روی و تکرار کنش‌های والدین را در آنها تقویت می‌کند. در چنین خانواده‌هایی، علاقه افراد به هم کم است و وابستگی‌ای به هم احساس نمی‌کنند. اعضای این خانواده‌ها هیچ‌گونه تعهدی برای هم‌نوایی با دیگران در خود نمی‌یابند و مشارکت کمتری هم در امور دارند. در کنار این موارد، به‌علت جامعه‌پذیری نامناسب، اعضا اعتقادی به قواعد اخلاقی و اجتماعی ندارند. برای آنها، رعایت هنجارها اهمیت ندارد و هیچ‌گونه کنترلی بر خود احساس نمی‌کنند.

بنا بر آنچه گفته شد، و با تأکید بر یافته‌های این پژوهش، به‌نظر می‌رسد توجه به مسائل و مشکلات خانواده‌هایی که والد آنها زندانی است، به‌ویژه کودکان و نوجوانان این خانواده‌ها، که در فرآیند اولیه اجتماعی‌شدن قرار دارند، نقش مؤثری در پیش‌گیری از جرم و کاهش آن بر جای بگذارد. رسیدگی به وضعیت این خانواده‌ها و ارائه خدمات حمایتی باید با توجه به ویژگی‌های سنی و جنسیتی افراد و در سه بخش حمایت‌های فردی-روانی، اقتصادی و اجتماعی صورت بگیرد. در بخش فردی-روانی، در کنار توجه به سلامتی جسمی و ارائه خدمات بهداشتی-درمانی، با برگزاری جلسه‌های مشاوره فردی و گروهی، می‌توان مشکلات این افراد را شناسایی کرد و راه‌حل کاهش مسائل و مشکلات را از طریق بحث‌های گروهی، با استفاده از تجربه کسانی که زیست مشابهی داشته‌اند، ارائه داد. عرضه خدمات اقتصادی و اجتماعی هدفمند و جنسیت‌محور به این کودکان و نوجوانان، در قالب حمایت‌های متمرکز و سازمان‌دهی شده، علاوه بر افزایش فرصت‌های اجتماعی، نظیر ادامه تحصیل و جذب در بازار کار مشروع، زمینه ادغام اجتماعی این افراد و انگ‌زدایی از آنها و درنهایت کاهش احتمال بزه‌کاری و پیش‌گیری از وقوع جرم را فراهم می‌کند.

منابع

- برناردز، جان (۱۳۹۰) *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، چاپ سوم، تهران: نی.
- حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۳۹۰)، «تأثیر روابط خانوادگی بر بهداشت روانی فرزندان در شهر اصفهان»، *تحقیقات نظام سلامت*، سال هفتم، شماره ۳: صص ۳۵۳-۳۶۳.
- صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۹۶) «زندگی پس از زندان؛ چالش‌های بازسازی برای زنان»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، دوره ششم، شماره ۳: صص ۳۱-۵۰.

صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶) *آسیب‌شناسی اجتماعی* (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: سمت.

سید موسی طباطبایی، ایمان اله بیگدلی، غلامحسین بیابانی، طاهره حدادی (۱۳۹۲)، «بررسی میزان اختلالات روانی-رفتاری در کودکان دارای والدین زندانی مقیم زندان‌های استان سمنان»، *فصلنامه طب انتظامی*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۱-۲۹.

عظیم‌زاده، شادی و گلاویژ شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۳) «از مادر معتاد تا فرزند بزهکار، الگوی رشد مجرمانه مبتنی بر بزه‌دیدة‌شناسی ثانویه»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۸، شماره ۸۸، صص ۱۸۷-۲۱۱.

کرسول، جان (۱۳۹۴) *پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد* (روایت‌پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری و مطالعه موردی)، ترجمه حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی، چاپ دوم، تهران: صفار.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیستم، تهران: نی.

فلاح‌پیشه، مریم و همکاران (۱۳۹۵) «خانواده نابسامان، تجربه زیسته دختران فراری ساکن کانون اصلاح و تربیت از دارابودن خانواده»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره بیست‌وششم، شماره ۱۳۹: ۱۴۹-۱۶۵.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹) *روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، چاپ سوم، تهران: جامعه‌شناسان.

نوغانی، محسن (۱۳۸۶) «تأثیر نابرابری‌های سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی»، *تعلیم و تربیت*، سال بیست‌وسوم، شماره ۳: ۷۱-۱۰۷.

- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Dallaire, D. H., & Thompson, M. J. (2016). "Incarcerated Parents". *Encyclopedia of Adolescence*, 1
- Ferraro, K. J., Johnson, J. M., Jorgensen, S. R., & Bolton Jr, F. G. (1983). "Problems of prisoners' families: The hidden costs of imprisonment". *Journal of Family Issues*, 4(4), 575-591.
- Luther, K. (2016). Stigma Management among Children of Incarcerated Parents. *Deviant Behavior*, 37(11), 1264-1275.
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Sage.
- Nichols, E. B., Loper, A. B., & Meyer, J. P. (2016). Promoting educational resiliency in youth with incarcerated parents: The impact of parental incarceration, school characteristics, and connectedness on school outcomes. *Journal of youth and adolescence*, 45(6), 1090-1109.
- Poehlmann-Tynan, J., Burnson, C., Runion, H., & Weymouth, L. A. (2017). Attachment in young children with incarcerated fathers. *Development and Psychopathology*, 29(2), 389-404
- Poehlmann, J., Eddy, J. M., Dallaire, D. H., Zeman, J. L., Myers, B. J., Mackintosh, V. & Loper, A. B. (2013). "Relationship processes and

- resilience in children with incarcerated parents”. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 78(3), vii-viii.
- Robillard, A. G., Holliday, R. C., Dehart, D. D., Lewis, K., Rutherford, Y., & Amutah, N. N. (2016). “An exploratory study examining risk communication among adolescent children, their incarcerated mothers, and their caregivers”. *Journal of health care for the poor and underserved*, 27(2), 101-119.
- Silverman, D. (2013). *Doing qualitative research: A practical handbook*. SAGE Publications Limited.
- Zeman, J., Dallaire, D., & Borowski, S. (2016). “Socialization in the Context of Risk and Psychopathology: Maternal Emotion Socialization in Children of Incarcerated Mothers”. *Social Development*, 25(1), 66-81.

